



طراحی و اعتبارسنجی برنامه‌دستی با تأکید بر دانشگاه کارآفرین (مطالعه موردی دانشگاه‌های شهر تهران)^۱

The Design & Validity of the Curriculum with an Emphasis on the University of Entrepreneur (Case Study of Universities in Tehran)

M. Maheronagsh, A Assare (Ph.D) , G. Ahmadi(Ph.D), M. Davaei(Ph.D)

مژگان ماهرالتش^۲، دکتر علیرضا عصاره^۳، دکتر غلامعلی احمدی^۴، دکتر مهدی دواپی^۵

Abstract: In this study, an attempt has been made to analyze the relationship between the variables affecting the curriculum with emphasis on entrepreneurship in Tehran universities. At first, by studying the background of related researches, the variables were identified and screened with the opinions of experts by fuzzy Delphi method. The statistical population consists of 30 faculty members and experts in the qualitative section and 385 people in the quantitative section with the Cochran's formula. Fuzzy network analysis is used to determine the weight and interpretive structural equations are used to level and analyze the relationships between variables. Based on the findings of fuzzy network analysis, the following variables of interaction with institutions supporting the implementation of joint international activities, entrepreneurial attitude, lending through banks, the use of information and communication technology in teaching and coordination of optional courses with individual needs in terms of Teachers have the most weight and importance

چکیده: احراز عرصه‌دستی و تربیت از مهمترین زیرساخت‌های تعالی پیشرفت همه‌جانبه و ابزار جدی برای ارتقاء سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. در این راستا، استفاده از برنامه‌های درسی مناسب با کارآفرینی، موجب شکل‌گیری دانش‌آموختگانی با انگیزه کارآفرینی می‌شود که سهم بسزایی در توسعه اقتصادی کشور دارند. به همین سبب هدف پژوهش حاضر با طراحی و اعتباریابی برنامه‌دستی با تأکید بر دانشگاه کارآفرین انجام شده است. روش پژوهش الگو آمیخته و از نوع بومی مرحله‌ای بود. جامعه آماری ۳۸۴ نفر می‌باشد و از تحلیل شبکه فازی برای تعیین وزن و از معادلات ساختاری تفسیری برای سطح‌بندی و تحلیل روابط بین متغیرها استفاده شده است. به این منظور داده‌ها با روش کیفی جمع‌آوری و تحلیل شدند، علاوه بر این با روش کمی دلفی ۳ مرحله‌ای اولویت‌بندی شده است. به منظور اعتباریابی داده‌های پژوهش، رویی محتوایی و پایایی یافته‌ها مورد دآوری ۱۰ نفر از خیرگان دانشگاهی در زمینه برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی قرار گرفت و پس از دآوری ۲۵۱ مقوله از ۲۵۸ مقوله بدست آمد و با رویی محتوایی بالای ۰.۶۲ مورد تأیید قرار گرفت و پایایی مقوله‌ها بدست آمده ۰.۹۵ محاسبه شد که نشان از اعتبار بالای یافته‌ها دارد. براساس نتایج بدست آمده، برنامه‌دستی با تأکید بر دانشگاه کارآفرین مبتنی بر عناصر برنامه‌دستی تایلر عبارت‌اند از: بعد هدف، محتوا، راهبردها، ارزشیابی. بر اساس یافته‌های تحلیل شبکه فازی، زیر متغیرهای تعامل با موسسات حامی اجرای فعالیت‌های مشترک بین‌المللی، نگرش کارآفرینی، میزان استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در تدریس و هماهنگی دروس اختیاری با نیازهای فرد بیشترین وزن و اهمیت را دارد. همچنین نتایج معادلات ساختاری تفسیری نشان داد عوامل شناسایی شده در طراحی و اعتباریابی برنامه‌دستی با تأکید بر دانشگاه کارآفرین بر یکدیگر تأثیرگذار بوده است. واژگان کلیدی: برنامه‌دستی، دانش‌آموختگان، مولفه‌های کارآفرینی، دانشگاه کارآفرین

Keywords: template, curriculum validation, entrepreneurship components, entrepreneurial university

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی انجام شده است. تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۹/۱۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

۲. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه:

m.maheryas@gmail.com

۳. استاد گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید رجایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه:

alireza_assareh@yahoo.com

۴. استادیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید رجایی، تهران، ایران، رایانامه:

ahmadygholamali@gmail.com

۵. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه:

davaeim@gmail.com

مقدمه

امروزه آموزش عالی، باید همانند یک موجود زنده همواره به کسب آگاهی از محیط و عناصر داخلی خود پرداخته و با شناسایی تحولات محیطی و وضعیت خویش، تغییرات لازم را در جهت ادامه حیات به صورت پویا در خود ایجاد نماید و البته این تغییرات بایستی در همه عناصر، از جمله اهداف، وظایف، ساختار و برنامه‌های آن، به طور هماهنگ انجام گیرد تا ارتباط آن‌ها به صورت منطقی حفظ گردد و بتواند به حیات خود ادامه دهد. از این جهت الگوی طراحی برنامه درسی، چهارچوبی جهت سازمان‌دهی، اجرا و ارزشیابی برنامه می‌باشد که نظمی در عین حال قابل انعطاف و تغییرپذیر برای سازمان دهی، مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری را ایجاد می‌نماید. برنامه درسی طراحی است جهت فراهم آوردن فرصت‌های یادگیری برای افرادی که باید تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند. یکی از برنامه‌هایی که در راستای ارتقای شغلی و توسعه زیر ساخت های اقتصادی در سال های اخیر مورد توجه سیاستگذاران آموزشی قرار گرفته است، به کارگیری دانش‌آموختگان دانشگاهی در جهت کارآفرینی و الزامات مرتبط با آن می‌باشد. کارآفرینی دانشگاهی به اقدامات و تلاش‌هایی اشاره دارد که دانشگاه‌ها و بخش‌های ارتباط با صنعت دانشگاه‌ها در راستای تجاری‌سازی و نتایج پژوهش‌های دانشگاهی و علمی خود انجام می‌دهند (نصرافهانی و همکاران، ۱۳۹۱). چنین دانشگاهی باید دو وظیفه را انجام دهد: اول، کارآفرینی آینده را آموزش دهد تا کسب و کاری ایجاد کنند و همچنین، روحیه کارآفرینان آینده را در دانشجویان و در تمام حوزه‌ها توسعه دهند. دوم، مراکز رشد کسب و کار را سازماندهی نمایند، پارک فناوری و مواردی نظیر آن را ایجاد کنند، دانشجویان را در این سازمان‌ها درگیر کنند و به کمک آن‌ها، دانشجویان و دانش‌آموختگان را در ایجاد کسب‌وکار یاری کرده تا بتوانند از نظر مالی استقلال پیدا کنند. براین اساس، دانشگاه کارآفرین نه تنها در پاسخگویی به نیازها و انتظارات متنوع محیط خود موفق است، بلکه برنامه‌ها و

فرایندهای عملیاتی آن برای اشاعه فرهنگ کارآفرینی و ارتقای صلاحیت های کارآفرینی دانشجویان مورد بازبینی قرار گرفته می شود (پورآتشی و همکاران، ۱۳۹۶). به دلیل نقش و جایگاه ویژه کارآفرینان در روند توسعه و رشد اقتصادی، بسیاری از دولت ها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تلاش می کنند با حداکثر امکانات و بهره برداری از دستاوردهای تحقیقاتی، شمار هر چه بیشتری از جامعه را که دارای ویژگی های کارآفرینی هستند به آموزش در جهت کارآفرینی و فعالیت های کارآفرینانه تشویق و هدایت کنند. کارآفرینان نقش کلیدی در توسعه اقتصادی و تحولات اجتماعی دارند. کارآفرینان به عنوان عناصر اصلی در تسریع توسعه کشورهای در حال توسعه و در تجدید حیات و استمرار توسعه کشورهای صنعتی مورد توجه و مطالعه بوده اند. در شرایط کنونی که اقتصاد کشورمان با مسائل و نارسایی های مهمی نظیر فرار مغزها، بیکاری یا کم کاری به ویژه فارغ التحصیلان دانشگاه ها و نیروی انسانی متخصص، کاهش سرمایه گذاری دولت، عدم تحرک و رشد اقتصادی کافی روبروست، پرورش و آموزش کارآفرینان، از اهمیت مضاعفی برخوردار است (رنجبریان، ۱۳۹۳).

ساختارهای کارآفرینی موجود در دانشگاه های کشور به آموزش تخصصی عده قلیلی از دانشجویان در زمینه کارآفرینی پرداخته و کمتر نهادینه سازی کارآفرینی و تقویت و تربیت دانشجوی کارآفرین در تمامی رشته ها مد نظر است. به طوری که فارغ التحصیلان خیلی از رشته ها اغلب با کارآفرینی بیگانه اند. یکی از موانع آموزش کارآفرینی به دانشجویان تفکری می باشد که همواره آموزش کارآفرینی را صرفاً در دانشکده های مدیریت و کسب و کار تعریف می کرده است. درحالی که بسیاری دیگر از اندیشمندان این حوزه معتقدند، به کارگیری موفق آموزش کارآفرینی معمولاً در رشته هایی خارج از دانشکده های مدیریت و کسب و کار اتفاق می افتد و آموزش کارآفرینی متعلق به همه ی دانشگاه است (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۵). از سوی دیگر نظام آموزش کارآفرینی، تحت تأثیر برنامه درسی است که هسته اصلی آموزش است و به نظر می رسد که این بخش اساسی آموزش، از نگاه طراحان و برنامه ریزان طرح کاراد مغفول مانده است، بی توجهی نسبت به تدوین الگوی برنامه درسی کارآفرینانه و عناصر

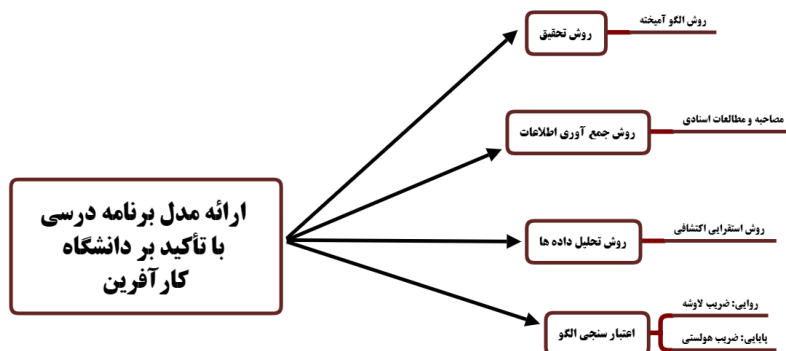
آن (منطق یا چرایی، نیازسنجی، اهداف، محتوا، روش‌های تدریس، مواد و منابع یادگیری، فعالیت‌های یادگیری فراگیران، روش‌های ارزشیابی، گروه‌بندی فراگیران، زمان و فضا) که متناسب با محیط، ساختار و فرهنگ سازمانی دانشگاه‌ها و بومی نظام آموزشی ما باشد، آسیب‌های جدی به کارآفرینی دانشگاه‌ها وارد کرده است. برنامه درسی، یکی از عناصر یا خرده نظام‌های اصلی آموزش عالی است که نقش تعیین‌کننده و غیرقابل انکاری در راستای تحقق اهداف و رسالت‌های دانشگاه‌ها از نظر کمی و کیفی ایفا می‌کند. عدم توجه و بازبینی‌های دقیق و مداوم نسبت به برنامه‌های درسی می‌تواند یکی از دلایل عمده نارسایی آموزش در هر جامعه‌ای باشد. به همین دلیل، باید زمینه‌های لازم را برای بررسی و ارائه برنامه‌های پویاتر فراهم نمود تا دانشگاه‌ها بتوانند جایگاه خود را در دنیای حاضر به عنوان مراکز و پایگاه‌های دانش، پژوهش و توسعه، حفظ نمایند. بنابراین یکی از مهمترین عوامل اثرگذار در توسعه کارآفرینی، توجه خاص به تقویت نظام آموزشی است که امروزه تقریباً در تمام کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و در همه پایه‌های تحصیلی، آموزش و ترویج کارآفرینی جایگاه ویژه خود را پیدا کرده است. تحقیق حاضر با مطالعه نقادانه آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور و رویکردهای آموزشی حاکم بر آن و تأکید بر عدم اعتنای برنامه‌ریزان طرح مذکور نسبت به الگوی برنامه درسی کارآفرینانه و مبتنی بر مؤلفه‌های ارزش‌آفرین و هنری میباشد تا زندگی کارآفرینی را توسعه دهد. همچنین در این پژوهش سعی شده است الگوی بومی برنامه درسی کارآفرینی سازگار با محیط‌های دانشگاهی کشور و برخوردار از رویکرد کارآفرینانه ارائه شود. با توجه به مباحث مطرح شده لذا سؤال اصلی این تحقیق این است که طراحی و اعتباریابی برنامه درسی با تأکید بر دانشگاه کارآفرین (مطالعه موردی دانشگاه تهران مرکزی و دانشگاه آزاد تهران مرکزی) چگونه است؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با رویکردی ترکیبی انجام شده است و هدف آن تعیین عناصر و ابعاد برنامه درسی دانشگاه کارآفرین، است. بدین منظور در بخش کیفی، ابتدا عناصر و

ابعاد برنامه درسی دانشگاه کارآفرین، طراحی و تدوین گردیده است و در ادامه در بخش کمی، برنامه‌های اجرایی طراحی شده و میزان روایی و پایایی آن، سنجیده می‌شود. این پژوهش در دو سطح انجام شده است. در سطح اول از روش پژوهش کیفی استفاده شده است. در این سطح از پژوهش به منظور دسته‌بندی کردن مفاهیم و مؤلفه‌های برنامه درسی با تأکید بر دانشگاه کارآفرین از روش تحلیل محتوای کیفی نظام مقوله‌بندی استقرایی استفاده شده است. (تبریزی، ۱۳۹۱). همان طور که منطقی طرح ترکیبی نشان می‌دهد، نمونه‌گیری ترکیبی نیز باید دارای هر دو جزء نمونه‌گیری کمی و کیفی باشد. هدف نمونه‌گیری کمی، داشتن نمونه نمایا و معرف از جامعه آماری و هدف نمونه‌گیری کیفی، هدفمندی است. بنابراین در نمونه‌گیری ترکیبی از پیوستار نمایایی هدفمندی^۱ استفاده می‌شود. نمونه‌گیری ترکیبی، مابین پیوستار نمونه‌گیری احتمالی و هدفمند قرار دارد و آن هم شامل تکنیک‌های احتمالی و هم تکنیک‌های هدفمند می‌باشد. هدف محقق از ترکیب این نوع نمونه‌گیری جهت به دست آوردن داده‌های ترکیبی برای به حداکثر رساندن درک و شناخت از پدیده مورد مطالعه می‌باشد. در واقع بکارگیری جهت‌گیری احتمالی هدفمندی به محقق روش ترکیبی، اجازه می‌دهد تا پایگاهی از داده‌های مکمل کمی و کیفی ایجاد کند که هم عمق و هم گستره پدیده مورد مطالعه را در نظر گرفته باشند.

¹ . representative-purposive continuum



شکل ۱- مراحل انجام پژوهش حاضر

بخش کمی شامل مطالعه و بخش کیفی قسمت روایی و پایایی می‌باشد که جامعه آن خبرگان هیئت علمی در زمینه برنامه‌ریزی درسی و آموزشی و کارآفرینی بوده است که تعداد آنها ۱۰ نفر می‌باشد. دلیل اصلی انتخاب این افراد به عنوان جامعه آماری تخصص و خبرگی ایشان در امر برنامه‌ریزی درسی و آموزش و کارآفرینی بوده است. (جدول ۱) مشخصات خبرگان و صاحب نظران جامعه پژوهش را نشان می‌دهد که هم‌عضوی از حوزه پژوهش در بخش مصاحبه بوده‌اند و هم از اعضای جامعه آماری بوده‌اند. جامعه آماری بخش کمی تحقیق، آن دسته از متخصصانی هستند که می‌توانند بیشترین اطلاعات ممکن را از میزان اعتبار چارچوب برنامه درسی کارآفرینی تدوین شده، در اختیار محقق بگذارند. اعضای هیئت علمی رشته برنامه درسی، کارآفرینان برتر، برنامه‌ریزان درسی کارآفرین و پژوهشگران حوزه آموزش کارآفرینی و همچنین در بخش تعیین اولویت و اهمیت شاخص‌ها و مؤلفه‌های مدل برنامه درسی استخراج شده است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان رشته برنامه درسی و رشته مدیریت کارآفرینی و کارشناسان و متخصصان ارشد مراکز کارآفرینی دانشگاه‌های دولتی تهران و آزاد تهران مرکزی این افراد را تشکیل داده‌اند.

جدول ۱- مشخصات خبرگان و صاحب نظران پژوهش

ردیف	جنسیت	سمت	تخصص	علت انتخاب	دانشگاه محل خدمت
۱	زن	هیئت علمی	دکترای برنامه ریزی درسی	متخصص در امر برنامه ریزی درسی	دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز
۲	زن	هیئت علمی	دکترای برنامه ریزی درسی	متخصص در امر برنامه ریزی درسی	دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز
۳	زن	کارمند	دکترای برنامه ریزی درسی	متخصص در امر برنامه ریزی درسی	اداره آموزش و پرورش استان تهران
۴	مرد	مدیر	دکترای مکانیک	متخصص در امر کارآفرینی	کارآفرین
۵	مرد	مدیر	ارشد صنایع دستی	متخصص در امر کارآفرینی	کارآفرین
۶	مرد	هیئت علمی	دکترای MBA	متخصص در امر کارآفرینی	دانشگاه دولتی تهران مرکز
۷	زن	هیئت علمی	دکترای کارآفرینی	متخصص در امر کارآفرینی	دانشگاه دولتی تهران مرکز
۸	مرد	هیئت علمی	دکترای کارآفرینی	متخصص در امر کارآفرینی	دانشگاه دولتی تهران مرکز
۹	مرد	هیئت علمی	دکترای مدیریت کسب و کار	متخصص در امر کارآفرینی	دانشگاه دولتی تهران مرکز
۱۰	زن	هیئت علمی	دکترای برنامه ریزی درسی	متخصص در امر برنامه ریزی درسی	دانشگاه دولتی تهران مرکز

تحقیق حاضر به روش نمونه‌گیری آشیانه‌ای متوالی صورت می‌پذیرد. در این روش مشارکت‌کنندگان انتخاب شده برای یک مرحله از مطالعه، زیرمجموعه‌ای از آن مشارکت‌کنندگانی خواهند بود که برای مرحله دیگر مطالعه انتخاب می‌شوند و انتخاب روش نمونه‌گیری نیز به شکل ابتدا هدفمند و سپس احتمالی است. (تبریزی، ۱۳۹۱). در این صورت با توجه به زمان و منابع قابل دسترس میتوان از تعداد ۱۰ نمونه برای انجام مصاحبه استفاده نمود، که در این پژوهش تعداد ۶ نمونه به عنوان مصاحبه شونده در نظر گرفته میشود و تا ۱۰ نفر برای رسیدن به اشباع ادامه می‌یابد.

در پژوهش حاضر، محقق گام‌هایی را به شکل مرحله‌ای طی نمود تا گروه خبرگان تکمیل شد. در هر مرحله محقق تعدادی از خبرگان دانشگاهی در زمینه برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی را با توجه به تخصص ایشان انتخاب نموده، سپس جهت ارائه پرسشنامه از نظرات ایشان استفاده نموده است سپس در فاز کمی از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده گردید. در نمونه‌گیری تصادفی، واحدهای جامعه مورد مطالعه در طبقه‌هایی که از نظر صفت متغیر همگن‌تر هستند، گروه‌بندی می‌شوند. به این ترتیب تغییرات در درون گروه‌ها حداقل می‌شود. جهت تعیین حداقل حجم نمونه لازم، از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود و نامعین استفاده گردید.

$$n = \frac{z^2 pq}{d^2}$$

$$z = 1.96 ; p=q=0.5 ; d=0.05 \text{ (مقدار اشتباه مجاز (مقدار خطا))}$$

$$n = \frac{(1.96)^2 * 0.5 * 0.5}{(0.05)^2} = 384$$

با جایگذاری پارامترها در فرمول مذکور حجم نمونه لازم ۳۸۴ نفر می‌باشد. در این بخش از دیدگاه ۳۸۴ نفر از کارکنان و فرهیختگان با تجربه در حوزه کارآفرینی استفاده شده است. بطور کلی از ۳۸۴ نفر نمونه این مطالعه ۲۱۶ نفر (۵۶٪) مرد و ۱۶۸ نفر (۴۴٪) را زنان تشکیل می‌دهند. از منظر تحصیلات ۲۲۶ نفر (۵۹٪) مدرک کارشناسی

دارند و ۱۴۵ نفر (۳۸٪) نیز تحصیلات تکمیلی دارند. ۱۳ نفر (۳٪) تحصیلات دکتری دارند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این تحقیق، روش تحلیل محتوا با استفاده از نظام مقوله‌ای استقرایی است. استفاده از رویکرد استقرایی که از آن با عنوان تحلیل محتوای متعارف هم نام برده شده است، بیشتر زمانی ضرورت می‌یابد که اطلاعات کافی درباره یک پدیده وجود ندارد و محقق می‌خواهد دانش زمینه‌ای لازم را در این خصوص فراهم کند این شیوه تحلیل محتوا بیشتر به دنبال تقلیل اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است. در اینجا هدف تحقیق استقرایی کمک به پدید آمدن یافته‌های تحقیق از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در داده‌هاست. این امر بدان معناست که محقق با رجوع به داده‌های مورد مطالعه، به تدریج آنها را خلاصه می‌کند تا در نهایت به اصلیت‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق دست پیدا کند. در تحقیق حاضر جهت اعتباریابی از روش‌های پیشنهادی کرسول و کلارک، استفاده شده است. پس از مشخص کردن مفاهیم اصلی و مفاهیم هم دسته، پرسشنامه اعتباریابی مفاهیم آماده شد و از ۵ نفر از متخصصان علوم تربیتی و ۵ نفر از خبرگان کارآفرینی، درباره هر یک از مفاهیم کشف شده، نظرخواهی شد. همچنین، از صاحب‌نظران درخواست شد چنانچه مفهومی باید اضافه یا اصلاح شود، بیان کنند. هدف از پرسشنامه محقق، بررسی اعتبار مفاهیم شناسایی شده برنامه درسی دانشگاه کارآفرین است. سپس برای هر مفهوم، شاخص نسبت روایی محتوایی محاسبه شده است. در این شاخص، از نظر متخصصان در زمینه برنامه درسی و کارآفرینی استفاده شد و با بیان تعاریف عملیاتی مربوط به مفاهیم، از آن‌ها درخواست شد هر یک از سوالات را بر اساس طیف سه‌بخشی لیکرت طبقه‌بندی کنند. سه بخش این طیف عبارت‌اند از: ۱. گویه ضروری است؛ ۲. گویه مفید است، ولی ضروری نیست؛ ۳. گویه ضرورتی ندارد. سپس بر اساس فرمول زیر، نسبت روایی محتوایی محاسبه شد..

$$CVR = \frac{\text{تعداد کل متخصصین} - \text{تعداد متخصصینی که گزینه موافق را انتخاب کرده اند}}{2}$$
$$CVR = \frac{\text{تعداد کل متخصصین}}{2}$$

۱۰ نفر از متخصصان علوم تربیتی (برنامه‌ریزی درسی) و کارآفرینی پرسشنامه مذکور را تکمیل کردند و دربارهٔ هریک از مفاهیم نظرخواهی شد. هدف از این فرم محقق‌ساخته، بررسی اعتبار مفاهیم شناسایی شده در زمینه برنامه درسی دانشگاه کارآفرین بود. سپس برای هر مضمون، نسبت روایی محتوایی^۱ محاسبه شد. بر اساس تعداد متخصصانی که سؤالات را ارزیابی کردند، حداقل مقدار روایی محتوایی قابل قبول تغییر خواهد کرد که با توجه به تعداد متخصصان پژوهش حاضر که ۱۰ نفر بودند، باید نسبت روایی محتوایی، ۰,۶۲ باشد. مضامینی که مقدار روایی محتوایی محاسبه شده برای آن‌ها کمتر از میزانی باشد که با توجه به تعداد متخصصان ارزیابی کننده سؤال، مشخص شده‌اند، باید کنار گذاشته شوند؛ زیرا بر اساس نسبت روایی محتوایی، روایی محتوایی قابل قبولی ندارند.

با توجه به محاسبه مقدار ضریب نسبی محتوایی برای تک‌تک گویه‌ها، در ابتدا تعداد ۲۹۲ مفهوم بدست آمد و در کدگذاری دوم تعداد ۲۵۸ مفهوم مورد تأیید قرار گرفت که پس از تعیین نسبت روایی محتوایی و بررسی خبرگان و متخصصین، تعداد ۷ مفهوم، نسبت روایی محتوایی کمتر از ۰,۶۲ بدست آمد و مورد تأیید خبرگان و متخصصین قرار نگرفت و در نهایت تعداد ۲۵۱ مفهوم موفق به کسب نسبت روایی محتوایی بالای ۰,۶۲ شد و مورد تأیید متخصصین و خبرگان قرار گرفت. با توجه به محاسبات انجام شده فرمول ضریب هولستی، درصد توافق خبرگان بر مفاهیم پایه این پژوهش ۰,۹۵ بدست آمد که نشان دهنده آنست که نتایج به میزان زیادی قابل اعتمادند.

^۱ Content Validity Ratio(CVR)

جدول ۲- حداقل مقدار روایی محتوایی قابل قبول بر اساس تعداد خبرگان

تعداد خبرگان	مقدار روایی محتوایی	تعداد خبرگان	مقدار روایی محتوایی	تعداد خبرگان	مقدار روایی محتوایی
۵	۰/۹۹	۱۱	۰/۵۹	۲۵	۰/۳۷
۶	۰/۹۹	۱۲	۰/۵۶	۳۰	۰/۳۳
۷	۰/۹۹	۱۳	۰/۵۴	۳۵	۰/۳۱
۸	۰/۷۵	۱۴	۰/۵۱	۴۰	۰/۲۹
۹	۰/۷۸	۱۵	۰/۴۹		
۱۰	۰/۶۲	۲۰	۰/۴۲		

یافته های تحقیق

یافته های بخش کیفی پژوهش به طور مشخص، براساس نتایج مربوط به بخش کیفی پژوهش بر مبنای فرایند تحلیل مصاحبه های خبرگان برنامه درسی و کارآفرینی با استفاده از روش تحلیل محتوا و با مدنظر قرار دادن اهداف پژوهش و همچنین تحلیل محتوای متون مرتبط با دانشگاه کارآفرین در سه قسمت ابعاد، مؤلفه ها و شاخص ها ارائه شده است، به عبارت دیگر ابتدا نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه های خبرگان و متون و اسناد و در ادامه ارائه مدل برنامه درسی با تأکید بر دانشگاه کارآفرین ارائه گردیده است.

سؤالات مصاحبه نیمه ساختاریافته

در این بخش از پژوهش، سؤالاتی در خصوص طراحی مدل برنامه درسی با تأکید بر دانشگاه کارآفرین ارائه می گردد. این سؤالات از ۱۰ نفر از خبرگان که در (جدول ۱) مطرح گردیده است، پرسیده شد و نظرات خبرگان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

جدول ۳- سوالات مصاحبه از خبرگان

ردیف	سوالات
۱	اهداف برنامه درسی دانشگاه کارآفرین شامل چه شاخص هایی می تواند باشد؟
۲	محتوای برنامه درسی دانشگاه کارآفرین چیست؟
۳	روشهای یاددهی یادگیری در دانشگاه کارآفرین چیست؟
۴	روشهای ارزشیابی در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین کدام است؟

در جدول زیر مواردی که از بین مصاحبه‌ها و مطالعات پیشین استخراج شده بودند و دارای اشتراکاتی بودند ارائه شده‌اند و با توجه به این اشتراک معانی یکی از آنها مورد استفاده در بخش کدگذاری باز قرار گرفته‌اند.

جدول ۴- مفاهیم مشترک مستخرج از مصاحبه‌ها و مطالعه متون و اسناد پیشین

مفاهیم استخراج شده از مصاحبه با خبرگان	مفاهیم استخراج شده از اسناد و مطالعات پیشین
۵ از بین بردن تمرکز گرایی	۲۱۰ تمرکززدایی در حاکمیت دانشگاه‌ها
۲۵ استفاده از شبکه های اجتماعی	۱۶۲ ایجاد و استفاده از شبکه های اجتماعی
۲۶ نگرش کار آفرینی در جامعه	ایجاد نگرش کارآفرینی در جامعه
۸۵ توجه به راهبردهای آینده نگری و چشم اندازها	۱۹۳ چشم انداز مشترک و راهبرد آینده نگر
۸۷ توجه به ثبت اختراعات و اعطای امتیاز	۱۸۷ مورد توجه قرار گرفتن مسئله ثبت
۱۰۱ ایجاد کسب و کارهای کوچک در	۲۸۹ ایجاد مراکز توسعه کسب و کارکوچک

	دانشگاهها
--	-----------

بحث

طراحی مدل برنامه درسی با تاکید بر دانشگاه

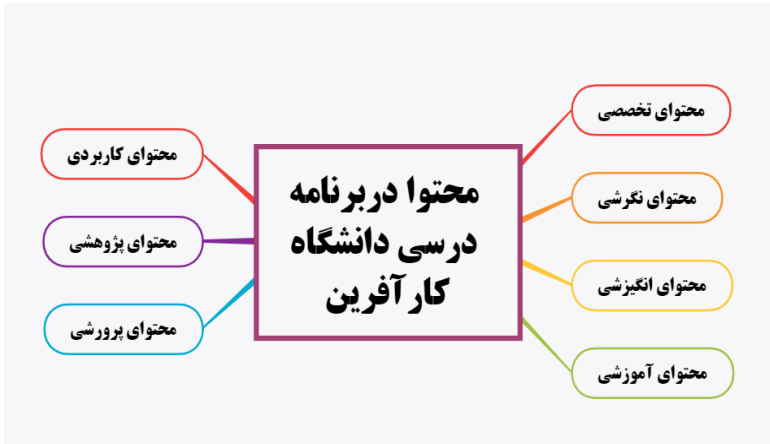
با توجه به هدف تحقیق و یافته‌های به دست آمده مدل برنامه درسی دانشگاه کارآفرین براساس عناصر برنامه درسی تایلر دارای ۴ بعد هدف، محتوا، راهبردها و ارزشیابی و ۳۳ مؤلفه و ۲۵۱ شاخص مشخص گردید.

الف- بعد هدف: اولین عنصر از عناصر برنامه درسی تایلر در مدل دانشگاه کارآفرین، هدف می‌باشد که شامل ۴ مؤلفه (پرورش نیروهای متخصص اجرایی و آموزشی، ایجاد مراکز بین‌المللی تحقیق و توسعه، تغییر در رهبری و مدیریت اجرایی و نیازسنجی آموزشی) و ۴۲ شاخص می‌باشد که مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد هدف در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین را نشان می‌دهد و (شکل ۲) مؤلفه‌های بعد هدف در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین را نشان می‌دهد.



شکل ۲- مؤلفه‌های برنامه درسی دانشگاه کارآفرین

ب- بعد محتوا: دومین عنصر از عناصر برنامه درسی تایلر محتوا بوده است که در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین دارای ۷ مؤلفه (محتوای تخصصی، نگرشی، انگیزشی، آموزشی، پرورشی، پژوهشی و کاربردی) و ۳۵ شاخص بوده است. (شکل ۳) مؤلفه‌های بعد محتوا در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین را نشان می‌دهد.



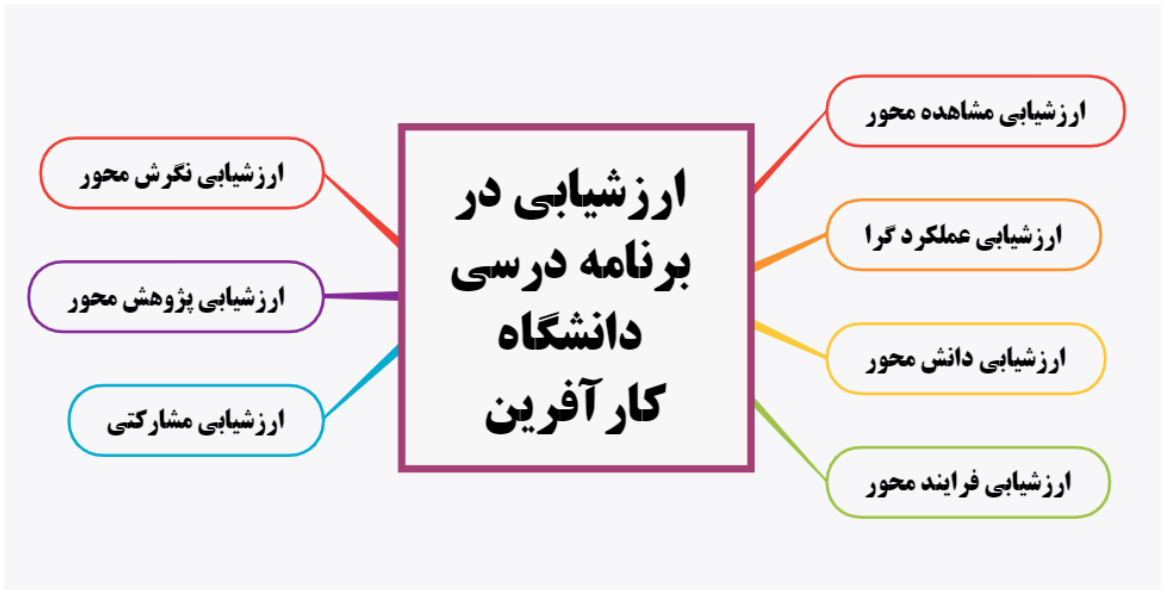
شکل ۳- مؤلفه‌های بعد محتوا در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین

ج- بعد راهبردها: سومین عنصر از عناصر برنامه درسی تایلر راهبردها بوده است که در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین دارای ۱۵ مؤلفه (راهبردهای تعامل محور، راهبردهای حمایتی، استفاده از ظرفیتهای محیطی، تحکیم و توسعه فرهنگ کارآفرینی، راهبردهای مهارت محور، راهبردهای یاددهی یادگیری، راهبردهای مدیریت محور، راهبردهای اقتصادی، ارتباط پایدار دانشگاه، صنعت و دولت، توسعه کارآفرینی در سیستم آموزشی، بین المللی شدن دانشگاه‌ها، راهبردهای خلاقیت محور، راهبردهای فناوریانه، ایجاد و خلق فرصت و راهبردهای انگیزشی) و ۱۴۶ شاخص بوده است. (شکل ۴) مؤلفه‌های بعد راهبردها در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین را نشان می‌دهد.

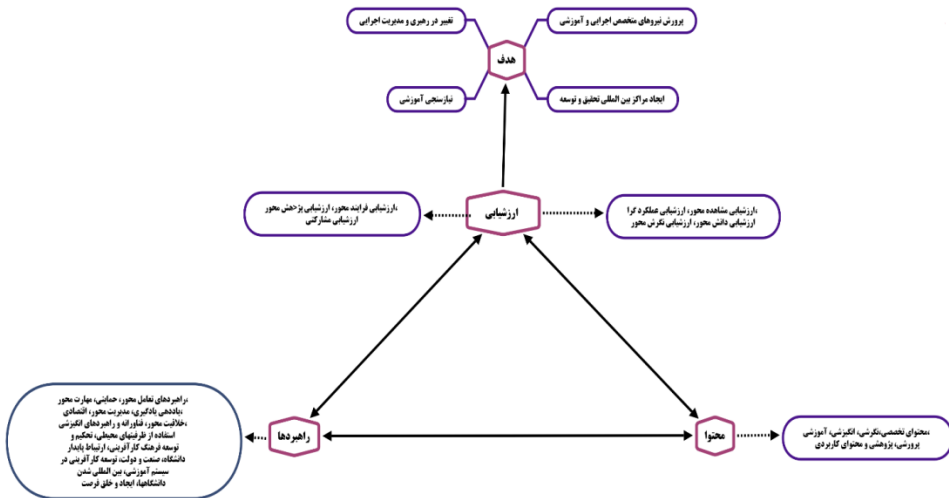


شکل ۴- مؤلفه‌های راهنمای برنامه درسی در دانشگاه کارآفرین

د- بعد ارزشیابی: چهارمین عنصر از عناصر برنامه درسی تایلر ارزشیابی است که در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین دارای ۷ مؤلفه (ارزشیابی مشاهده محور، ارزشیابی عملکردگرا، ارزشیابی دانش محور، نگرش محور، فرایند محور، پژوهش محور و ارزشیابی مشارکتی) و ۲۸ شاخص بوده است. (شکل ۵) مؤلفه‌های بعد ارزشیابی در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین را نشان می‌دهد.



شکل ۵- مؤلفه‌های ارزشیابی در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین



شکل ۶- مدل برنامه درسی دانشگاه کارآفرین (محقق)

غربالگری شاخص‌های پژوهش (دلفی فازی)

براساس تحلیل محتوایی مصاحبه‌های تخصصی انجام شده در نهایت ۲۵۱ شاخص شناسایی شد. برای غربالگری و حصول اطمینان از اهمیت شاخص‌های شناسایی شده و انتخاب شاخص‌های نهایی از روش دلفی فازی استفاده شده است. برای سنجش اهمیت شاخص‌ها از دیدگاه خبرگان استفاده شده است. اگر چه افراد خبره از شایستگی‌ها و توانایی‌های ذهنی خود برای انجام مقایسات استفاده می‌نمایند، اما باید به این نکته توجه داشت که فرآیند سنتی کمی سازی دیدگاه افراد، امکان انعکاس سبک تفکر انسانی را بطور کامل ندارد. به عبارت بهتر، استفاده از مجموعه‌های فازی، سازگاری بیشتری با توضیحات زبانی و بعضاً مبهم انسانی دارد و بنابراین بهتر است که با استفاده از مجموعه‌های فازی (بکارگیری اعداد فازی) به پیش‌بینی بلند مدت و تصمیم‌گیری در دنیای واقعی پرداخت. در این مطالعه نیز برای فازی‌سازی دیدگاه خبرگان از اعداد فازی مثلثی استفاده شده است. دیدگاه خبرگان پیرامون اهمیت هر یک از شاخص‌ها با طیف فازی ۷ درجه گردآوری شده است.

جدول ۵- طیف هفت درجه فازی برای ارزش‌گذاری شاخص‌ها

متغیر زبانی	مقدار فازی	مقیاس عدد فازی
کاملاً بی اهمیت	1	□□□□□□□□□□□□□□□□
خیلی بی اهمیت	2	□□□□□□□□□□□□□□□□
بی اهمیت	3	□□□□□□□□□□□□□□□□
متوسط	4	□□□□□□□□□□□□□□□□
بااهمیت	5	□□□□□□□□□□□□□□□□
خیلی با اهمیت	6	□□□□□□□□□□□□□□□□
کاملاً با اهمیت	7	□□□□□□□□□□□□□□□□

براساس یافته‌ها مشخص گردید که در تمامی موارد اختلاف کوچکتر از ۰/۲ است بنابراین می‌توان راندهای دلفی را به پایان برد و کلیه ۲۵۱ شاخص پذیرفته گردید. لذا با توجه به طیف نظرات خبرگان در ۳ راند تکنیک دلفی، میانگین مقدار قطعی ۳ راند دلفی برای هر ۲۵۱ شاخص اندازه‌گیری گردید که بر اساس نظرات خبرگان، بیشترین اهمیت به شاخص‌های A37 (بازتعریف مأموریت و رسالت اجتماعی)، A80 (گسترش کار تیمی در حوزه داخلی و خارجی)، A159 (آموزشهای از راه دور و الکترونیکی) و A202 (استفاده از اساتید مشترک بین‌المللی) داده شده است. لذا می‌توان گفت با توجه به طیف نظرات خبرگان ۴ شاخص باز تعریف مأموریت و رسالت اجتماعی، گسترش کار تیمی در حوزه داخلی و خارجی، آموزشهای از راه دور و الکترونیکی و استفاده از اساتید مشترک بین‌المللی بیشترین اهمیت را در میان ۲۵۱ شاخص تأیید شده برای مدل برنامه درسی دانشگاه کارآفرین دارا بوده است.

جدول ۶- نتایج آزمون فریدمن (میانگین رتبه‌های مؤلفه‌ها)

میانگین رتبه	مؤلفه‌های برنامه درسی دانشگاه کارآفرین
۶,۷۳	پرورش نیروهای متخصص اجرایی و آموزشی
۵,۵	ایجاد مراکز تحقیق و توسعه
۵,۵	تغییر در رهبری و مدیریت اجرایی
۵,۹۴	نیازسنجی آموزشی
۵,۴۶	محتوای تخصصی
۶,۶۳	محتوای نگرشی
۶,۶۳	محتوای انگیزشی
۴,۴۷	محتوای آموزشی
۶,۸۴	محتوای پرورشی
۶,۴۹	محتوای پژوهشی
۵,۵۱	محتوای کاربردی

میانگین رتبه	مؤلفه های برنامه درسی دانشگاه کارآفرین
۶,۷۴	راهبردهای تعامل محور
۴,۴۷	راهبردهای حمایتی
۵,۵۱	استفاده از ظرفیتهای محیطی
۵,۹۵	تحکیم و توسعه فرهنگ کارآفرینی
۵,۴۷	راهبردهای مهارت محور
۶,۶۴	راهبردهای یاددهی یادگیری
۶,۶۴	راهبردهای مدیریت محور
۵,۷۶	راهبردهای اقتصادی
۶,۸۳	ارتباط پایدار دانشگاه، صنعت و دولت
۶,۴۹	توسعه کارآفرینی در سیستم آموزشی
۵,۵۱	بین المللی شدن دانشگاهها
۶,۷۴	راهبردهای خلاقیت محور
۴,۴۷	راهبردهای فناورانه
۵,۵۱	ایجاد و خلق فرصت
۵,۹۵	راهبردهای انگیزشی
۵,۴۷	ارزشیابی مشاهده محور
۶,۷۵	ارزشیابی عملکرد گرا
۶,۶۵	ارزشیابی دانش محور
۵,۷۷	ارزشیابی نگرش محور
۶,۷۳	ارزشیابی فرایند محور
۵,۵	ارزشیابی پژوهش محور
۵,۵	ارزشیابی مشارکتی

بر اساس نتایج آزمون فریدمن در (جدول ۶)، که میانگین رتبه‌های هر مؤلفه را نشان می‌دهد که با توجه به معنادار شدن این آزمون، هر سی و سه مؤلفه دارای رتبه یکسانی نبوده و از لحاظ اهمیت در سطوح مختلفی قرار دارند به طوری که مؤلفه‌های راهبرد تعامل محور، راهبرد خلاقیت محور و پرورش نیروهای متخصص اجرایی و آموزشی دارای بیشترین اهمیت و مؤلفه‌های محتوای آموزشی و ارزشیابی مشاهده محور دارای کمترین اهمیت می‌باشند.

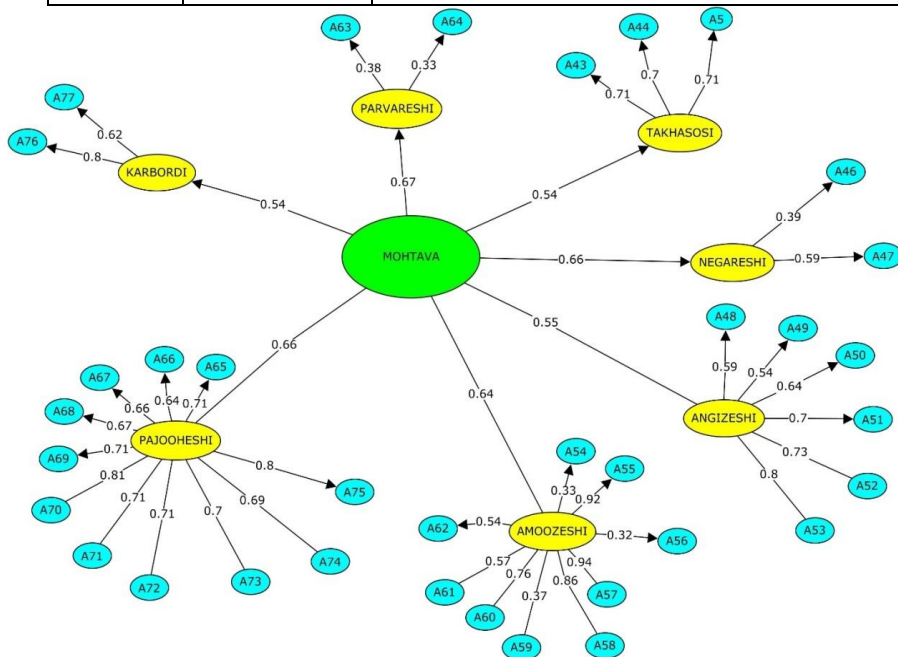
تحلیل عاملی تائیدی

در این مطالعه برای سنجش متغیرهای تحقیق از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. بنابراین از تحلیل عاملی تائیدی برای سنجش روابط متغیرهای پنهان با گویه‌های سنجش آنها استفاده شده است. تحلیل عاملی تائیدی ارتباط گویه‌ها (سوالات پرسشنامه) را با سازه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد تا ثابت شود سوالات پرسشنامه، متغیرهای پنهان را به خوبی اندازه‌گیری کرده است. بنابراین جهت اثبات اینکه داده‌ها درست اندازه‌گیری شده‌اند از تحلیل عاملی تائیدی استفاده می‌شود. قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده بوسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. بار عاملی مقداری بین صفر و یک است.

تحلیل عاملی تائیدی مقیاس مولفه‌های دانشگاه کارآفرین: نتایج تحلیل

عاملی مقیاس متغیر مولفه‌های دانشگاه کارآفرین در شکل‌های (۶) الی (۱۰) ارائه شده است. این مقیاس شامل هر بعد از ابعاد برنامه‌درسی دانشگاه کارآفرین و تعداد مؤلفه‌های قابل مشاهده آن می‌باشد. بار عاملی مشاهده در تمامی موارد مقداری بزرگتر از $0/3$ دارد که نشان می‌دهد همبستگی بین متغیرهای پنهان (ابعاد هر یک از سازه‌های اصلی) با متغیرهای قابل مشاهده قابل قبول است. پس از اینکه همبستگی متغیرها شناسایی گردید باید آزمون معناداری صورت گیرد. جهت بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها از آماره t value استفاده می‌شود. چون معناداری در سطح خطای $0/05$ بررسی می‌شود. بنابراین اگر آماره آزمون t value از مقدار بحرانی $1/96$ بزرگتر باشد، رابطه معنادار است. براساس نتایج شاخص‌های سنجش هر یک از مقیاس‌های مورد

مولفه	بار عاملی	آماره تی
نیازسنجی آموزشی	۰,۵۵	۱۳,۴۱



شکل ۸- بار عاملی استاندارد بعد محتوا و مولفه‌های آن در برنامه درسی دانشگاه

کارآفرین

جدول ۸- بار عاملی و مقدار آماره تی مؤلفه‌های بعد محتوا در برنامه درسی دانشگاه

کارآفرین

مولفه	بار عاملی	آماره تی
محتوای تخصصی	۰,۵۴	۱۰,۸۶
محتوای نگرشی	۰,۶۶	۱۱,۱۱
محتوای انگیزشی	۰,۵۵	۱۰,۷۸
محتوای آموزشی	۰,۶۴	۱۳,۴۱

جدول ۹- بارعاملی و مقدار آماره تی مؤلفه های بعد راهبردها در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین

مؤلفه	بار عاملی	آماره تی
راهبردهای تعامل محور	۰,۶۷	۱۰,۸۶
راهبردهای حمایتی	۰,۵۴	۱۱,۱۱
استفاده از ظرفیتهای محیطی	۰,۶۶	۱۰,۷۸
تحکیم و توسعه فرهنگ کارآفرینی	۰,۵۵	۱۳,۴۱
راهبردهای مهارت محور	۰,۶۴	۸,۵۱
راهبردهای یاددهی یادگیری	۰,۶۶	۱۰,۱۶
راهبردهای مدیریت محور	۰,۶۲	۱۰,۷۴
راهبردهای اقتصادی	۰,۵۴	۱۲,۰۹
ارتباط پایدار دانشگاه، صنعت و دولت	۰,۷۱	۱۱,۶۶
توسعه کارآفرینی در سیستم آموزشی	۰,۶۵	۱۲,۰۲
بین المللی شدن دانشگاهها	۰,۶۵	۱۲,۳۵
راهبردهای خلاقیت محور	۰,۸	۱۰,۸۸
راهبردهای فناورانه	۰,۸	۱۲,۷۵
ایجاد و خلق فرصت	۰,۷۱	۸,۷۱
راهبردهای انگیزشی	۰,۶۲	۱۲,۵۱

با توجه به (شکل ۹) و (جدول ۹) تمامی بارهای عاملی از $۰/۳$ بالاتر می باشند، لذا کلیه مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد راهبردهای در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین قابل قبول می باشند.

با توجه به (شکل ۱۰) و (جدول ۱۰) تمامی بارهای عاملی از ۰/۳ بالاتر می‌باشند، لذا کلیه مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد ارزشیابی در برنامه درسی دانشگاه کارآفرین قابل قبول می‌باشند. برای بیان مقبولیت مدل از شاخص‌های برازش هنجار شده بتلربونت، برازش نسبی، برازش افزایشی، شاخص‌های تطبیقی و مجذور کامل استفاده شده است که نتایج بدست آمده از مدل در (جدول ۱۱) نمایش داده شده است.

جدول ۱۱- شاخص‌های برازش مولفه‌های دانشگاه کارآفرین

مدل	X ² /df	RMSEA	NFI	CFI	GFI	IFI	RFI	SRMR	AGFI
میزان قابل قبول	۱۳	< ۰/۱	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۰۹	> ۰/۱
محاسبه شده	۲/۲۳۳	۰/۰۱۸	۰/۹۵	۰/۹۸	۰/۹۴	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۲۴	۰/۹۷

خطای جذر میانگین مربعات (RMSEA): این شاخص بر مبنای تحلیل ماتریس باقیمانده قرار دارد و بر خلاف بسیاری از شاخص‌های برازش برای فواصل اطمینان مختلف نیز قابل محاسبه است. این شاخص بر مبنای پارامتر غیرمرکزی قرار دارد. مقدار این شاخص اگر برابر صفر باشد نشان‌دهنده کوچکتر بودن کای اسکوئر نسبت به درجه آزادی می‌باشد و حد مجاز آن مقدار ۰/۱ می‌باشد. مقدار RMSEA به دست آمده ۰/۰۱۸ می‌باشد که با توجه به مقدار استاندارد کمتر از ۰/۱ مطلوب می‌باشد.

شاخص‌های تطبیقی (IFI, CFI, RFI, NFI)

طراحی و اعتبار سنجی برنامه درسی...

نویسنده اول: مژگان ماهرالنقش

مقدار NFI یا شاخص برازش هنجار شده بتلر بونت به دست آمده ۰/۹۵ می باشد که با توجه به مقدار استاندارد ۰/۹ که حد مطلوب این شاخص می باشد، مدل پژوهش با توجه به این شاخص از برازش مطلوبی برخوردار است.

مقدار RFI یا شاخص برازش نسبی به دست آمده ۰/۹۹ می باشد که این شاخص نیز به برازش مناسب مدل اشاره دارد.

مقدار IFI یا شاخص برازش افزایشی به دست آمده مقدار ۰/۹۹ می باشد که این شاخص نیز به برازش مناسب مدل اشاره دارد.

مقدار CFI یا شاخص برازش تطبیقی به دست آمده مقدار ۰/۹۸ می باشد که این شاخص نیز به برازش مناسب مدل اشاره دارد.

کای اسکور بهنجار (X^2/df): این شاخص از تقسیم کای دو به درجه آزادی حاصل می شود. نسبت کای دو به درجه آزادی برابر ۲/۲۲۳ و مطلوب می باشد. در کل با توجه به کلیه شاخص های می توان گفت مدل از برازش مناسبی برخوردار است. بارهای عاملی نشان دهنده میزان تأثیر متغیر مشاهده شده در تبیین و اندازه گیری متغیرهای پنهان مربوط به خود می باشد. برای تأیید بار عاملی به سطح معناداری توجه می شود.

نتیجه گیری:

بر اساس یافته های تحقق یک مدل برنامه درسی دانشگاه کارآفرین بر اساس پژوهش ها و مصاحبه با خبرگان، تدوین شد که دارای ۲۵۱ شاخص بود که بر این اساس از جمله مفاهیم مشترک مستخرج از مصاحبه ها میتوان به مولفه های، از بین بردن تمرکزگرایی، استفاده از شبکه های اجتماعی، نگرش کارآفرینی در جامعه، توجه به راهبردهای آینده نگری و چشم اندازها، توجه به ثبت اختراعات و اعطای امتیاز، ایجاد کسب و کارهای کوچک در دانشگاه ها اشاره کرد که این یافته همسو با پژوهش رادمنش و همکاران (۱۳۹۷) میباشد که دانشگاه کارآفرین در بعد نرم دارای مولفه های اصلی (بازیگران کلیدی، هنجارها، عوامل اجتماعی-فرهنگی، عوامل شخصیتی-انگیزشی) و در بعد سخت دارای مولفه های اصلی (سیاستها- راهبردها، زیرساختهای

اطلاعاتی-اشاعه‌ای، زیرساخت‌های نهادهای پشتیبان، زیرساخت انسانی-سازمانی، زیرساخت‌های محیطی-دولتی، پیوندهای محیطی، نظام‌های مدیریتی (آموزشی پژوهشی) و نظام‌های مدیریتی (حمایتی ارزشیابی و مالی) می‌باشد. از سویی دیگر از جمله مفاهیم استخراج شده از اسناد و پژوهش‌ها می‌توان به مولفه‌های تمرکززدایی در حاکمیت دانشگاه‌ها، ایجاد و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ایجاد نگرش کارآفرینی در جامعه، چشم انداز مشترک و راهبرد آینده‌نگر، مورد توجه قرار گرفتن مسئله ثبت، ایجاد مراکز توسعه کسب و کار کوچک اشاره کرد که این یافته همسو با پژوهش ترکمان و نوروزی (۱۳۹۶) می‌باشد که بنابر نظرات اساتید دانشگاه تهران نتیجه می‌گیرند که شاخص‌های دانشگاه کارآفرین شامل: مولفه‌های چشم انداز، ماموریت و راهکار دانشگاه، حاکمیت و اداره دانشگاه، ساختار و طرح سازمانی، قدرت نفوذ و استفاده از منابع متنوع، مدیریت ذی‌نفعان و ارزش‌های جامعه، دانش‌آموختگان، چندرشته‌ای و فرارشته‌ای، انتقال دانش و مرکز رشد می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به اهمیت کارآفرینی در توسعه اقتصادی، بسیاری از کشورها برنامه درسی مدارس خود را به سوی کارآفرینی پیش می‌برند و از این طریق بر نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه اثر می‌گذارند. ترویج کارآفرینی به دو دلیل مسئله اصلی سیاست‌گذاران است که شامل: تاثیر اقتصادی و ایده کارآفرینان به عنوان عاملان تغییر، (رشد و نوآوری) است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد آموزش مهارت‌های کارآفرینی تنها کلید رفع معضل بیکاری در بین جوانان است. تحقیقات مذکور بیان می‌کند فراگیران آموزش‌های کوتاه مدت کارآفرینی نسبت به سایر افراد تمایل بیشتری برای آغاز کسب و کار جدید دارند.

همچنین یافته‌ها نشان داد مؤلفه‌های مدل برنامه درسی دانشگاه کارآفرین شامل: پرورش نیروهای متخصص اجرایی و آموزشی؛ ایجاد مراکز بین‌المللی تحقیق و توسعه؛ تغییر در رهبری و مدیریت اجرایی؛ نیازسنجی آموزشی؛ محتوای تخصصی؛ محتوای نگرشی؛ محتوای انگیزشی؛ محتوای آموزشی؛ محتوای پرورشی؛ محتوای پژوهشی؛ محتوای کاربردی؛ راهبردهای تعامل محور؛ راهبردهای حمایتی؛ استفاده از

ظرفیتهای محیطی؛ تحکیم و توسعه فرهنگ کارآفرینی؛ راهبردهای مهارت محور؛ راهبردهای یاددهی یادگیری؛ راهبردهای مدیریت محور؛ راهبردهای اقتصادی؛ ارتباط پایدار دانشگاه، صنعت و دولت؛ توسعه کارآفرینی در سیستم آموزشی؛ بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها؛ راهبردهای خلاقیت محور؛ راهبردهای فناورانه؛ ایجاد و خلق فرصت؛ راهبردهای انگیزشی؛ ارزشیابی مشاهده محور؛ ارزشیابی عملکردگرا؛ ارزشیابی دانش محور؛ ارزشیابی نگرش محور؛ ارزشیابی فرایند محور، ارزشیابی پژوهش محور و ارزشیابی مشارکتی می‌باشد که در طراحی الگوی برنامه درسی دانشگاه کارآفرین باید به نقش این عوامل توجه شود. بر این اساس یافته حاضر همسو با پژوهش صفریان و همکاران (۱۳۹۸) است که نشان داد که عوامل درونی (کیفیت خدمات، منابع مالی توانمند، ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، سیاستهای آموزشی و پژوهشی، مدیریت و رهبری) و عوامل بیرونی (عوامل زمینهای ملی و منطقه ای عوامل بین‌المللی) جز مولفه‌های مهم برنامه درسی دانشگاه کارآفرین هستند. همچنین پژوهش شجاعی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که متغیرهای سیاست‌گذاری و مدیریت حرفه‌ای کسب و کار آموزشی و یادگیری، مدیریت فناوری اطلاعات، تصمیم‌گیری و حل مسئله، تعاملات و ارتباطات مؤثر، مدیریت و رهبری و مدیریت یادگیری و توسعه منابع انسانی اثر مستقیم و مثبت معناداری بر ساختار برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی در رشته علوم تربیتی دارد. در تبیین این یافته میتوان گفت اکثر برنامه‌های آموزش کارآفرینی، با اهداف مختلفی اجرا می‌شود. از طریق شناسایی اهداف مختلف آموزشی به درک عمیقی از نیازهای آموزشی و همچنین انتخاب معیارهای شیوه‌های آموزش پی می‌بریم. در رابطه با هدف آموزش کارآفرینی اتفاق نظر بین محققین وجود ندارد. برخی بر این عقیده‌اند که کارآفرینی موفق، بیش از آنکه یک فعالیت اقتصادی باشد، نوعی هنر است و این در حالی است که تعریف این فعالیت هنری بر اساس روش‌های موجود یا اثرات محیطی کار، بسیار دشوار است. اما هدف اولیه از توسعه‌ی کارآفرینی همان تربیت افراد متکی به نفس و آگاه به فرصت‌ها و به طور کلی افرادی است که تمایل بیشتری به راه اندازی کسب و کارهای مستقل دارند.

نتایج نشان داد درصد توافق خبرگان بر مضامین پایه این پژوهش ۰/۹۵ بدست آمد که نشا دهنده آن است که نتایج به میزان زیادی قابل اعتمادند که این یافته همسو با نتایج پژوهش تحقیق فرامرزی نیا (۱۳۹۵) است که نشان داد، امکان پیاده‌سازی دانشگاه کارآفرین وجود دارد. همچنین نوروززاده و کوثری (۱۳۸۸) چنین نتیجه می‌گیرند، در صورتی که در برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی، پرورش مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان مورد توجه قرار گیرد، زمینه تحقق رسالت نظام آموزش عالی به ویژه دانشگاه‌ها در تربیت نیروی انسانی متخصص، کارآمد و کارآفرین فراهم خواهد شد. علاوه بر این، نتیجه پژوهش پیری و ادیب (۱۳۸۸) که در مورد طراحی مدل برنامه درسی کارآفرین بوده نیز موید یافته حاضر است که در پژوهش خود نشان دادند اعتباریابی الگوی پیشنهادی، بر اساس نظر اساتید مرتبط، ۶۲/۹۹/۰۰ می‌باشد که تا حدی همسو با یافته پژوهش حاضر است. در تبیین این یافته میتوان گفت کارآفرینی در دانشگاه در حال حاضر به عنوان یک پاسخ مناسب برای موفقیت در بازارهای بسیار آشفته و غیر قابل پیش بینی شناخته شده است در واقع برای کارآفرین شدن دانشگاه باید تشویق روحیه کارآفرینی، یک هدف برای تمام اعضا در دانشگاه باشد. تجارب کشورهای مختلف دنیا اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، نشان‌دهنده آن است که بهترین گزینه برای آماده کردن فارغ التحصیلان نظام آموزشی برای اشتغال در بازار کار، ایجاد بستر مناسب برای خود اشتغالی و کارآفرینی از سوی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی است.

منابع

پر دیویدسون، یوهان ویکلاندر، (۱۳۹۸)، چشم‌اندازهایی نو به رشد شرکت، تالیف ترجمه کامبیز طالبی، شیوا شعبانی، انتشارات دانشگاه تهران، صفحه ۷۸۱۱۴.

تبریزی منصوره، (۱۳۹۱)، تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۶۴، صفحه ۱۰۶-۱۳۵

توکلی یاسین، سلطانی اکبر، (۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل مهارت های اجتماعی دانش آموزان استان آذربایجان شرقی و الزامات آن در برنامه درسی، پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی برنامه ریزی درسی)، شماره ۲۰، صفحه ۹۰۱۰۳.

حمزه لو زهره، یار محمدیان محمد حسین، کشتی آرای نرگس، (۱۳۹۴)، چگونگی برنامه درسی اجرا شده هنر دانشگاه فرهنگیان بر اساس ارزشیابی خبرگی آیزنر، کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران.

خاقانی زاده مرتضی، فتیحی واجارگاه کوروش، (۱۳۸۷)، الگوهای برنامه درسی دانشگاهی، نشریه علمی پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، صفحه ۱۰۱۸.

درویش حسن، الوانی سیده مهدی، صدقیانی جمشید، عباسزاده حسن، (۱۳۹۱)، عوامل مؤثر بر گرایش به کارآفرینی در بانک های خصوصی ایران، مطالعات مدیریت (بهبود و تحول).

دهقانی مرضیه، خندقی امین، نوغانی محسن، بهمنی دخت حسین دخت، جعفری ثانی مقصود، (۱۳۹۰)، پژوهش های انجام شده با رویکرد طراحی الگو در درسی: نقدی بر پژوهش واکاوی الگوی مفهومی در حوزه برنامه درسی، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، صفحه ۹۹ ۱۲۶.

ذبیحی محمدرضا، مقدسی علیرضا، (۱۳۹۵)، کتاب کارآفرینی از تئوری تا عمل، انتشارات جهان فردا، نما.

رنجبریان رسول، (۱۳۹۳)، نقش آموزش عالی در توسعه کارآفرین، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۶۷.

رحمتی محمدحسن، مقیمی سیدمحمد، الوانی سیدمهدی، (۱۳۹۳). تحلیل نظام خطمشی گذاری برای آموزش غیر رسمی کار آفرینی در ایران. توسعه کار آفرینی. سال سوم. شماره ۹.

صمدآقایی جلیل، (۱۳۸۳)، خلأقیت جوهره کارآفرینی. تهران، دانشگاه تهران.

رحیمی فیض آبادی فاطمه، خسروی پور بهمن، (۱۳۹۲)، عوامل مؤثر در کارآفرینی سازمانی، همایش دانشگاه کارآفرین؛ صنعت دانش محور، بابلسر.

دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، شماره ۱۸، سال نهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

رجیبی پور محمود، (۱۳۸۶). بزهکاری دانش آموزان و امکان پیشگیری پلیس از روند رشد اجتماعی آن، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم.
شالیان رحیم، سعیدی رضوانی محمود، یزدی امین، کارشکی سیدامیر، اصغری حسین، نکاح سید محسن، (۱۳۹۴)، تاملی در باب شان الگو در قلمرو طراحی برنامه درسی، مجله پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت سال ۵، شماره ۲، صفحه ۱۷۲۱۵۳.

عارفی محبوبه، (۱۳۹۹)، برنامه‌ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی، تهران: جهاد دانشگاهی، واحد شهید بهشتی.

قاسم‌پور مقدم حسین، (۱۳۹۷)، الگوی طراحی برنامه درسی سیلور و الکساندر. کرمی شیرازی نصرالدین، هاشمی سید احمد، رنجبر مختار، (۱۳۹۸)، بررسی الگوهای طراحی برنامه‌ی درسی در فعالیتهای آموزشی، دومین همایش ملی تحول در برنامه درسی.

مجله چوبقلو محمدعلی، عبدالله فام رحیم، تمجیدتاش الهام، (۱۳۹۰)، آسیب شناسی فرایند کارآفرینی در برنامه درسی رشته های تحصیلی دانشگاهی (مطالعه موردی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب)، نشریه مدیریت بهره وری (فراسوی مدیریت)، صفحه ۱۶۷۱۸۷.

مقیمی محمد، رمضان مجید، (۱۳۹۰)، مدیریت استراتژیک و کارآفرینی، ناشر راه دان، صفحه ۱۲۰۶.

میرزامحمدی محمد حسن، پورطهماسبی سیاوش، تاجور آذر، (۱۳۹۷)، موانع و راهکارهای کار آفرینی در نظام آموزش عالی ایران، کار و جامعه، شماره ۹۶ و ۹۷، صفحه ۳۴ ۴۷.

مهرمحمدی، محمود، (۱۳۹۴)، برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازها، ناشر سمت.

طراحی و اعتبار سنجی برنامه درسی...

نویسنده اول: مژگان ماهرانقش

مهر محمدی محمود، (۱۳۸۱)، برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها
مقاله تربیت متناسب با شرایط شغلی و مهارت‌های فردی - تألیف آیزنر، ترجمه محمد
امینی، تهران: انتشارات سمت.

ناهید مجتبی، گالبی امیر، (۱۳۹۱)، توصیفی از استراتژی کارآفرینی سازمانی بر
اساس مدل موریس. بررسی‌های بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی،
شماره ۵۳، صفحه ۲۶۴۲.

ناهید مجتبی، زالی محمدرضا، حسین زاده مجید، ساجدنیایا فیروزه، (۱۳۹۲)، بررسی
تأثیر جو کارآفرینی سازمانی بر نوآوری (مورد مطالعه: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
اسلامی)، شماره ۶، صفحه ۴۷۶۶.

نصراصفهانی علی، غفاری محمد، (۱۳۹۱)، ارائه یک مدل فرآیندی برای کارآفرینی
دانشگاهی، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، بابلسر.
ودادی سمیه، میرزاپور پوپک، (۱۳۸۶)، نقش دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه
کارآفرینی، مجموعه مقالات همایش عملکرد ربع قرن دانشگاه آزاد اسلامی واحد
کرمانشاه.

یدالهی فارسی جهانگیر، میرعرب رضی رضا، (۱۳۸۸)، بررسی رایجی برنامه‌ی
درسی آموزش کارآفرینی در رشته‌ی علوم تربیتی، نشریه توسعه کارآفرینی، صفحه
۸۰۶۱

یعقوبی محمدحیدر، عسگری مجیدعلی، عباسی عفت، نیکنام زهرا، (۱۳۹۸)،
جستاری در طراحی الگوی مفهومی برنامه درسی: رویکردی سنتزپژوهانه، نشریه
علمیپژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، شماره ۱۲، صفحه ۹۲-۱۰۱.

دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه‌درسی، شماره ۱۸، سال نهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰